

علی اکبر دهخدا «مشروحه ای درباره حکومت دکتر مصدق»



مطلبی است کوتاه به قلم علی اکبر دهخدا در دوران بحرانی مجلس هفدهم شورای ملی که به کوشش ایرج افشار منتشر شده است. عیناً باز نشر می گردد.

در ابتدای مقاله فوق ایرج افشار توضیحی به شرح زیر داده است:

این مقاله نخست در روزنامه باختر امروز به مدیریت دکتر سید حسین فاطمی انتشار یافت و در همان روزها، چند روزنامه آن را نقل کردند. اینک چون روزنامه باختر امروز در اختیار نیست، از روزنامه نیروی سوم، شماره ۲۰۶ که در روز دهم ۱۳۳۲ انتشار یافته است، نقل می شود. این متن را آقای محمد گلبن به من لطف کرده اند.

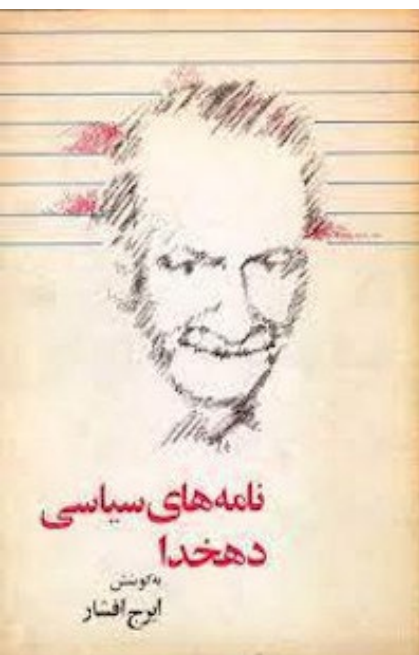
« در این موقع که وطن عزیز ما لحظات بحرانی عظیمی را طی می کند، وظیفه هر فرد است که آنچه را به خیر و صلاح مملکت می داند بیان کند و هموطنان خود را به جریانات روز و سیاست های مخرب اجانب متوجه سازد. به همین علت نگارنده این سطور که عمری از نزدیک ناظر جریان های وقت بوده و همیشه

هدفی در دوره زندگانی طولانی خود جز استقلال و آزادی مملکت و ترقی و تعالی ملت نداشته، چنین احساس کرد که در این موقع خطیر باید از اظهار نظر خودداری نکند، مبدا در آینده پیش وجدان خود شرمسار شود.

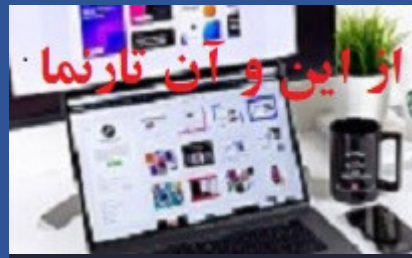
هموطنان عزیز باید به خاطر بیاورند که نهضت مشروطه خواهی ایران اساساً نهضت ضد استعمار بود و هدفی جز استقلال مملکت نداشت. شاهد این دعوی مقالات سید جمال الدین مرحوم در عروة الوثقی و روزنامه قانون و حبل المتین کلکته و کتاب ابراهیم بیگ و امثال آن است.

توضیح آنکه مردم وطن پرست مملکت چون می دیدند که اجانب دارند بر تمام شؤون ملک مسلط می شوند، و با تحصیل امتیازات دائم خرده خرده استقلال اقتصادی و سیاسی ما را از میان می برند، و برای وصول به مقاصد سوء خود و با کمال سهولت بر یک تن از مردم ایران که شاه نامیده می شد به علت ضعف نفس او یا به وسیله تهدید یا تطمیع او مسلط می شده اند، در صدد برآمدند که وضع را تغییر دهند و در مقابل اجانب مردم را بیدار و مجهر کنند و به عبارت دیگر رژیم مشروطه را در ایران مستقر نمایند.

در رژیم مشروطه چون حکومت به دست ملت می افتاد و اختیارات شاه محدود می شد اجانب دیگر نمی توانستند به وسیله تهدید یا ضعف نفس او بر وی مسلط شوند و به وسیله ای امتیازاتی بگیرند و هر روز لطمه ای نو بر استقلال دینی، اقتصادی و سیاسی ما بزنند.



در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



m.ilbeiqi@yahoo.fr xalvat.info

بنا بر این چنانچه ملاحظه می‌شود اساس نهضت مشروطیت ایران اولاً همان نهضت استقلال طلبی و ضد استعماری و برای جلوگیری از دادن امتیازات متوالی به روسیه تزاری و انگلستان بوده و موضوعات دیگر هر اندازه هم مهم باشد در درجه دوم از اهمیت قرار گرفته و از لوازم مشروطیت بوده‌است.

این یادآوری از آن جهت است که هموطنان عزیز بدانند نهضت ملی امروز ا بران در اساس با نهضت مشروطیت یکسان است و امروز هم ملت ایران هیچ امری را ولو بسیار مهم باشد با استقلال اقتصادی و سیاسی مملکت و قطع ایادی بیگانگان برابر نمی‌کند و همه چیز را در صورت لزوم فدای این هدف عالی خواهد کرد و غیر از آن هم نباید باشد. زیرا تا سلطه اجانب از مملکت قطع نشود و ملت ایران روی پای خود نایستد، هیچ‌یک از مفاهیم آزادی و دموکراسی و ترقی و تعالی مملکت و حتی دیانت و اخلاق و سایر آرزوهای ملی که در چنگ اجانب اسیر باشد و زندگانی به مراد آنها کند به هیچ‌یک از این مظاهر عالیه ملیت دست نخواهد یافت.

این مقدمه را از این جهت ذکر می‌کنم که جمعی مغرض به بهانه دروغین حفظ قانون اساسی و امثال آن لطمه به نهضت ملی ایران زنند و مانع به ثمر رسیدن مجاهدات ملت ایران در راه استقلال و درهم شکستن استعمار نشوند. زیرا هیچ‌یک از این بهانه‌ها آنها را تبرئه نخواهد کرد و خیانت آن‌ها را به نهضت ملی مستور نخواهد داشت.

باید این نکته را افراد بی غرض به مغرضین مکرر گوشزد کنند که تمام قوانین و نظامات و دستگاه‌های سیاسی و اداری برای مملکت است نه مملکت برای آنها! حتی باید گفت اگر روزی خدای نکرده استقلال مملکت و قانون اساسی در دو جهت مخالف یکدیگر قرار گیرند، زعمای هر قوم در هر زمان قوانین اساسی را فدای مملکت کنند نه مملکت را فدای قانون! آن‌ها که امروز سنگ طرفداری قانون را به سینه می‌زنند باید بدانند که مردم، فریب آنها را نخواهند خورد و همه کس به علت مخالفت آن‌ها با نهضت ملی ایران کانلاً واقف است.

ملت ایران تاریخچه و علت مخالفت یک یک مخالفین امروز را که جاه طلبی و تأمین مطامع شخصی است، می‌دانند و سزای آنها را که با ادعای مسلمانی تیشه به ریشه اسلام می‌زنند نیز خواهد داد.

به اشخاصی که به واسطه کمک به دکتر مصدق و نهضت ملی ایران آبرویی پیدا کرده بودند امر مشتی است. آن‌ها تصور کرده‌اند واقعاً ملت ایران شیفته کمالات و شخصیت آن‌هاست. غافل از این‌که این مردم خود پسند در سایه نهضت ملی ایران عنوان پیدا کرده‌اند، و الا غالب آن‌ها شایستگی صیاطی یک اراده را هم نداشتند.

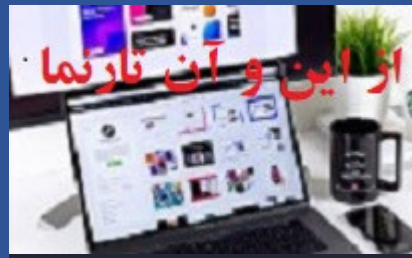
لافونتن افسانه سرای فرانسوی افسانه ای دارد به نام «ارابه و مگس». ارابه را شش اسب نیرومند از گردنه‌ای بالا می‌برند، مگس گاهی بر بال و دم اسب‌ها و گاهی روی بینی ارابه [ران] می‌نشیند و حماسه سرائی می‌کند. وقتی ارابه به بالای گردنه می‌رسد، مگس می‌گوید الحمدلله مساعی من به نتیجه رسید. اینک باید اجر مرا بدهید.

حکایت پاره ای از اشخاص خودپسند کم مایه که اینک می‌خواهند از نهضت ملی ایران مزد بگیرند، بی‌شباهت به مگس لافونتون نیست. ملتی در اثر تحمل یک قرن ذلت و تعب و گرسنگی به زعامت سائسی بصیر و توانا قیام کرده و پس از فضل الهی در نهضت خود کامیاب شده و این‌که باید به ثمره آن برسد، چند نفر جاه طلب طماع چون اغراض آنها تأمین نشده به بهانه‌های بی اساس می‌خواهند به عنوان این‌که نهضت را آنها به وجود آورده‌اند، بر مردم قیام کنند.

نهضت را کسی به وجود نیاورده، نهضت خود به وجود آمده‌است و سیر خود را خواهد کرد. به معاندین باید گفت چه می‌گوئید در حق سربازی که در بحبوحه جنگ با دشمن، برای این‌که کسی از او جلوتر ایستاده یا عقب تر رفته یا مورد محبت خاص قرار نگرفته یا فلان خواهش او برآورده نشده، به نزاع با همکاران خود برخیزد و به صف سپاه شکست وارد آورد. آیا این سرباز خائن به خودی و خادم بیگانه نیست.

امروز تکلیف عموم ملت ایران از وضع و شریف، کوچک و بزرگ این است که با جان و دل به دولت ملی و نهضت ملی کمک کنند و از بذل جان و مال در راه توفیق تهضت خود داری نمایند و حتی برخلاف آنچه بعضی در باب اعلیحضرت پادشاه گفته یا نوشته‌اند، که شاه باید بی‌طرفی خود را حفظ کند، اعتقاد من بر این است که ابداً جایز نیست شاه

در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



m.ilbeiqi@yahoo.fr xalvat.info

مملکت در این قیام عظیم ملی ساکت بنشینند. بلکه باید با تمام قوای مادی و معنوی خود به کمک نهضت ملی بشتابد و از هیچ نوع مساعدت صوری و معنوی کوتاهی نکند.
علی اکبر دهخدا
(ن-ک: نامه های سیاسی دهخدا، صص ۸۳ تا ۷۹)